

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

بیستم جولای 2013

ابدیت خاموشی

به تماشای رنجهای در ایوان سرد زندگانی نشسته و دفترچه سیاه خاطراتم را از برگهای ظلمت میسازم.

روانم اندوهناکتر از شبهای بی ماه و ستاره است. هوای صاف ششهایم را غبار دلتنگی میبلعد. از ساقه خشک لحظه ها قفسی ساخته ام، تا پرنده بی آزار احساسم را زندانی کند، مگر به ابدیت ناخواستۀ خاموشی بپیوندد، که چون دیگر نشانگاه تیر فریب و درد نباشد.

معبود من! چه گونه با سرانگشتانت که مهر آفرین ترین بود، طناب بیرحم نیستیم را میبافی؟ چه سان با طوفان خشم در باغ فرو ریخته قلبم گام مینهی؟ چه آسان در جایگاه راز و نیاز و نیایشم سایه ثابت میشوی و جوهر التماس و تمنایم را رنگ حسرت میبخشی.

یادت را از من باز گردان، تا ریشه های خشکیده مغزم در زمین اندیشه های تازه و ناب راه جوید و روزهای آفتابی زندگانی را باز یابم!

(ناهید "غزل" غنی زاده - جنوری 2013)